

جورج گروس



شرح

جورج گروس (۱۸۹۱-۱۹۶۵) نقاش، مجسمه‌ساز، طراح و مجری «تجربه» و «تئاتر» آلمانی بود. او از برجسته‌ترین هنرمندان آلمانی در سده بیستم است. گروس در سال ۱۹۱۵ به فرانسه فرار کرد و در آنجا به فعالیت‌های هنری خود ادامه داد. او در سال ۱۹۲۵ به آلمان بازگشت و در آنجا به فعالیت‌های هنری خود ادامه داد. او در سال ۱۹۳۳ به فرانسه فرار کرد و در آنجا به فعالیت‌های هنری خود ادامه داد. او در سال ۱۹۴۵ به آلمان بازگشت و در آنجا به فعالیت‌های هنری خود ادامه داد. او در سال ۱۹۶۵ در فرانسه درگذشت.

یادبود به بهانه برپایی بزرگداشت «ژان پرو»؛ ایران‌شناس فقید فرانسوی به دنبال کشف رازهای بزرگترین امپراتوری جهان باستان



کیوان محمودی

پژوهشگر باستان‌شناسی

به پا کرد و امروز زینت‌بخش مجموعه هخامنشی موزه ملی ایران است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و شرایط خاصی که کشورمان با آن مواجه بود، هیات فرانسوی ژان پرو ایران را ترک کردند اما او باز هم از تهیه‌های باستانی شوش و باستان‌شناسی ایران غافل نبود و موفق شد «مجموع بین‌المللی درباره سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی شوش و جنوب غربی ایران» از هزاره هفتم تا یورش مغول» را در سال ۱۹۸۵ بر گزار کند. نخستین گردهمایی در شوش و سال ۱۹۷۷ بر گزار شده بود. سال ۲۰۱۱ و یکسال پیش از مرگش موفق شد مجموعه جامعی از سال‌ها فعالیت و یافته‌ها پیرامون کاخ‌های هخامنشی شوش را در کتابی مهم به نام «کاخ‌های شوش» مقرر سلطنتی بزرگ هخامنشی» به زبان فرانسه منتشر کند. پرو برخلاف باستان‌شناسان فرانسوی پیش از خود یافته حاصل کاوشی را از ایران خارج نکرد. بنا به گفته خودش ارزشمندترین یادگاری که از ایران همراه خود برد، همسر ایرانی‌اش بود. او در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۲ در ۹۲ سالگی در پاریس دیده از جهان فرو بست.

شب «ژان پرو»؛ ایران‌شناس فقید فرانسوی، با حضور فرانسوا ستمو؛ سفیر فرانسه در تهران، ژاله آموزگار، دارپوش شایگان، کامران فانی، سیدمحمد بهشتی، تورج اتحادیه و علی دهباشی به همراه نمایش فیلم مستند «راز یک مجسمه» ساخته حمید ارجمند و رونمایی از کتاب «دارپوش شاه بزرگ» تألیف ژان پرو و تألیف خشایا بهاری، امروز ساعت ۱۷ در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی واقع در نیاوران، کاشانک، ترسیده به آجودانیه، شماره ۲۱۰ برپا می‌شود.



بسیاری از بقایای کاخ‌های هخامنشی که از دوره ناصری در تپه آپادانای شوش کشف شده بودند، زیر پوششی از علف‌های هرز پنهان مانده بودند و بسیاری از بازدیدکنندگان که قصد دیدار از آثار هخامنشی شوش را داشتند در میان علف‌های هرز بیهوده به دنبال یافتن آثاری از بازمانده‌های هخامنشی شوش بودند. با حضور پرو و تیم او تمام فعالیت‌های انجام شده از دوره جعفرآباد و «شوش» حفاری و پژوهش کرد و به ویژه فعالیت‌های او پیرامون بازمانده‌ها و کاخ‌های هخامنشی شوش حائز اهمیت فراوان و فوق‌العاده هستند.

بسیاری از بقایای کاخ‌های هخامنشی که از دوره ناصری در تپه آپادانای شوش کشف شده بودند، زیر پوششی از علف‌های هرز پنهان مانده بودند و بسیاری از بازدیدکنندگان که قصد دیدار از آثار هخامنشی شوش را داشتند در میان علف‌های هرز بیهوده به دنبال یافتن آثاری از بازمانده‌های هخامنشی شوش بودند.

به قول مردم کفتنی ۳۷

اسلحه و سرمایه متحدان یکدیگرند



جواد مخجانی

نویسنده و شاعر

- گل فروش یک روز به یکی از صراف‌ها گفت: کسی که تفنگ و باروت دارد در نهایت امنیت ما را تهدید می‌کند. صراف چیزی نگفت؛ اما همان روز به همکاری گفت: این گل‌فروش تمایلات چریکی دارد، باید مواظبش باشیم. از شکارچی شروع کرده است. چون می‌دانیم اسلحه همان قدر امنیت منطقه را تهدید می‌کند که نوسانات ارزی.
- شکارچی یک روز به صراف گفت: اسلحه و سرمایه متحدان یکدیگرند، این وسط گل و گیاه چه نقشی دارد؟ صراف تصحیحش کرد: چه اهمیت حیاتی دارد؟ همان روز صراف به همکاری گفت: باید بیشتر مواظب این شکارچی باشیم. همکاری او که احتمالاً از ما باهوش‌تر بود معنای حرف او را به درستی فهمید و با تکان سر تأیید کرد.
- گل فروش گفت: اینها مثل من و تونه چیزی را تولید می‌کنند و نه از بین می‌برند. این دلان را می‌گویم. شکارچی گفت: همه ما واسطه‌ایم و دلال. اما فضاقت این انگل‌های پولی زودتر از رمز و راز کار ما آشکار می‌شود.

● آن همسایگان اضطراری، که دشمنان واقعی هم بودند هر روز چنان با روی گشاده و لیخند مهرآمیز با هم روبرو می‌شدند که برای درک آن حد از ریاکاری، سراغ معانی گسترده‌تر از آنچه در فرهنگ‌ها آمده، باید رفت.

● یک روز آنها چهره واقعی‌شان را نشان دادند، خصومت ریشه‌ای و تفاوت‌هاشان را. هیچ حادثه‌ای اتفاق نیفتاد. گل فروش گفت: شما از اول می‌دانستید این را. شکارچی و صراف‌ها سر تکان دادند و گفتند خر که نیستیم.

● به رغم آنچه پیش‌بینی می‌شد اولین درگیری‌های نهانی و آشکار بین صراف‌ها پیش آمد. یک بند و بست جمعی باعث شد که از ۶ صراف دو نفر دکانشان را نخفته کردند و رفتند و بین آن چهار نفر دور جدیدی از رقابت پنهان شروع شد. وقتی یک صراف سر همه را خورد بین پنج مغازه‌دار جدید که همه پوشاک می‌فروختند محاصره شده بود. اهالی پوشاک بالاخره او را وادار کردند که جای دیگری برای خود تدارک کند چنین کرد.

● پوشاک‌ها نتوانستند بین گل‌فروشی و مغازه شکار کدامیک را به عنوان اولین هدف نابودی انتخاب کنند، اما شکارچی با تسلطش بر کارکرد باروت، دورترین پوشاک‌های خودش را شبی به هوا فرستاد. فکر ایجاد راسته پوشاک از سر بقیه افتاد. در خرابه موجود، معتادانی جمع می‌شدند که از مغازه‌های پوشاک چیزی‌هایی می‌ربودند.

● هیچ کس به درستی آگاه نشد چطور آن تکه از حاشیه شهر تبدیل به بیابان شد. پس از ویرانی مغازه‌ها، شهرداری آنجا را کوبید و سبزه و نهال کاشت. لکن پارک تبدیل به بیابان شد. تصصیر کسی هم نبود. آب برای خوردن هم کمیاب بود تا چه رسد به آبیاری چمن‌های وسیع. در یک روز که گل‌فروش سابق در جای سابق مغازه‌اش در بیابان فعلی قدم می‌زد با شکارچی سابق روبرو شد که در حالتی نوستالژیک می‌گوشید محل دقیق مغازه‌اش را پیدا کند. آن دو سعی کردند کدورت سابق را اتفاق نیفتاده بیانگارند اما نشد. تا صحبت از قدیم شد هر یک سعی کرد امحای خیابان را به گردن دیگری بیندازد. شکارچی یک اسلحه کمری برای خود نگه داشته بود.

مجسمه‌نگاری

روایتی از تندیس «کاوه آهنگر» در اصفهان

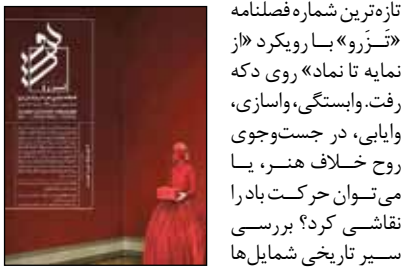
آتش سرد آهنگر



علی رنگبجان

طراح و مجری «تجربه» و «تئاتر» آلمانی

از نمایه تا نماد در «تَزْرُو»



تاز درتین شماره فصلنامه «تَزْرُو» با رویکرد «از نمایه تا نماد» روی دهکده فرهنگی، وایابی، در جست‌وجوی روح خلاف هنر، یا می‌توان حرکت یاد را نقاشی کرد؟ بررسی مسیر تاریخی شمال‌ها و نمادها در نگارگری ایران، شاعر سینما، تعینات بدن در خوشنویسی ایرانی در بخش هنر، کار کرد نمادها و بسترهای نمادین فرهنگی و فومی زندگی روزمره در ادبیات داستانی ایران، بررسی تحلیلی روایت‌های اسطوره‌ای، دینی و تاریخی، آفرینش معنا یا خلقی در آثار صادق هدایت، طنز و شکست در داستان ایرانی، سده‌های ۱۹ و ۲۰ انگلستان با اسطوره هیوبت انسان، عناصر موسیقایی شعر منثور دهه ۸۰ در بخش ادبیات، گردش نشانه‌ها در قلب شهر، نماد شهری عامل هویت بخش شهرها، راز نمادهای کهن و باستانی ایرانی در بخش گردش به‌همراه مجموعه عکس «۱۸۶۶» کار «دنیس گرونتشتاین» اهم مطالب این شماره است. شماره ۴ مجله تزرو در ۲۰۴ صفحه و با قیمت ۱۸ هزار تومان عرضه شده است.

کتابخانه

دلهره‌های جینی



یان مک‌بیون، نویسنده انگلیسی با رمان هایش جویز متعددی به‌دست آورده و با رمان «برده حائل» نیز اوج خلاقیتش را در روایت به رخ می‌کشد. راوی در این رمان جینی در شکم مادر است که با درک خود از فضای پیرامونش، به توطئه‌ای از سوی مادر و هم‌نشین بی‌می‌برد، توطئه‌ای علیه پدر او که ترس و دلهره از آینده‌های نامعلوم را برایش رقم می‌زند. بوستون گلوب درباره این کتاب می‌نویسد: «لوح ظرافت را در این کتاب می‌توان یافت؛ کتابی که نمی‌توانید از ادامه خواندنش صرف‌نظر کنید. فقط یک استاد واقعی می‌تواند در کتابی حدوداً ۲۰۰ صفحه‌ای این همه ایده را گرد هم بیاورد و سؤالاتی بی‌پاسخ بسیاری در ذهن خواننده ایجاد کند.» این کتاب را نشر پارسه با ترجمه سیامک دل‌آرا منتشر کرده و قیمت آن ۱۸ هزار تومان است. مجله تایم یان مک‌بیون را در فهرست ۵۰ نویسنده بزرگ بریتانیا در ۱۹۴۵ به این سو قرار داده است.

دیزاین در امر سیاست



تورج صابری‌وند

دیزاینر

مستند «پیروزی اراده» فیلمی است که از هیتلر، به سفارش هیتلر ساخته شده و پر است از تصاویری برای تحلیل نشانه‌شناسی و تصویری او و آلمان تحت حکومت نازیست. یکی از صحنه‌های پرترکاز فیلم سخنرانی هیتلر در برابر ارتش آلمان در ۱۹۳۴ است. برای نمایش عظمت و عموماً زلع کوچک آن به میله‌ها وصل شده‌اند و خیل عظیم گروه‌های سربازان، شبیه سطح‌های بافت‌داری دیده می‌شوند. اما چیزی که همواره در این تصویرها بلندتر از هر چیز دیگری دیده می‌شود، پرچم‌های برافراشته و باریک و بلند نازیم است. پرچم‌های سیاسی عموماً از رنگ‌های تیره‌تر هستند که همیشه در اهتزاز باشند، چه باد باشد، چه نباشد. پرچم‌های پر تعداد و بزرگ که ارتفاع‌شان دستکم ۲۰ برابر قد سربازان است در نمایش قدرت هیتلر و نازیسم نقشی تعیین‌کننده دارند. اما این تنها نشانه‌ای نیست که هیتلر به آن توجه دارد. سیبل او یک «نشانه» است و هنوز اگر بخواهد سیاستمداری را مهمت به فاشیسم کند، سیبل هیتلر برایش می‌کشد. دست‌های باز با شیب رو به بالا «نشانه» است. خودش و

مقام‌های بالای حزب نازیسم هم در پاسخ به احترام‌های نظامی، دست را از رنج خم می‌کنند و به عقب می‌برند. این نشانه‌ها به آرمان هیتلر عینیت می‌بخشند. یعنی یک امر انتزاعی سیاسی، وجودی خارجی پیدا می‌کند. وقتی آرمانی یا اندیشه‌ای، نشانه و تصویر دارد، وجود عینی پیدا می‌کند و وقتی نشانه و تصویرهایی قدرتمند دارد، یعنی وجود عینی قدرتمندی دارد.

هیتلر با این نشانه‌ها هویت یکپارچه‌ای می‌سازد و به هواداران و مردمانی که طعم تلخ شکست جنگ جهانی اول هنوز آزارشان می‌دهد، احساس تعلق به یک هویت جدید و متفاوت می‌دهد. هیتلر «نشانه»‌های انحصاری خودش را ساخت تا هویت‌سازی کند و بعد با چنان دقتی از آنها بهره برد تا به نازیسم تصویری مشخصی دهد تا مردم جهان دهه‌ها وقتی در مورد نازیسم حرف می‌زنند، تصویری یکپارچه و متحد داشته باشند. این نشانه‌ها چنان اهمیتی پیدا کرده که هنوز نشانه‌های عمومی این علامت‌ها در کشورهای ممنوع است و در کشوری چون لهستان جرمی کیفری با دو سال زندان است.

سال‌های اخیر مرسوم شده که برندها، کتاب‌هایی با عنوان «هویت تصویری» می‌سازند تا از تصویری که از برندشان دیده می‌شود، کنترل و مراقبت کنند و همه جزئیاتی که از برند دیده می‌شود تحت مدیریت باشد تا بتواند هویت منحصر به‌فرد برند را بسازد. هیتلر دهه‌ها پیش، کتاب «۵۵۰ صفحه‌ای با عنوان «کتاب سازمانی NSDAP»

روایت یک تصویر

داستان پرابهام نخستین پرواز انسان با هواپیما



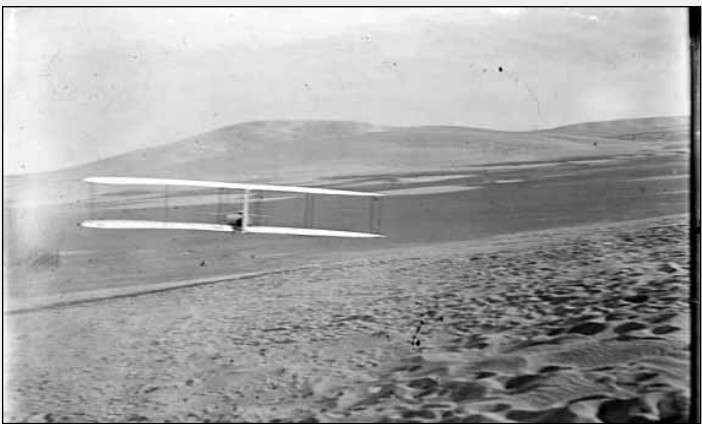
رضا سلیمان نوری

روزنامه‌نگار

پرواز یکی از آرزوهای جوادانه ایران از ابتدای تاریخ بوده است. آرزویی که برای محقق شدن آن بسیاری از انسان‌ها جان خود را از دست دادند و اکنون نیز که محقق شده باز هر ساله جان بسیاری را می‌گیرد، اما داستان نخستین انسانی که توانست پرواز کند هم از آن ماجراهای پر مناقشه زندگی بشری است. مناقش‌های که البته به دلیل تنوع وسایلی که انسان از بدو تلاشش برای رسیدن به آرزوی پرزنده شدن تاکنون آنها را مورد استفاده قرار داده، دارای تنوع گسترده‌ای است. در این بین ماجرای هواپیما به عنوان مهم‌ترین وسیله‌ای که این آرزوی بشر را محقق کرده گویانه خاص است. داستان براساس آنچه عمده اهل تاریخ و در نتیجه مردم می‌دانند، از این قرار است که در روزی چون امروز یعنی ۱۷ دسامبر سال ۱۹۰۳ برابر با ۲۵ آذر ۱۲۸۲ شمسی در صحرا «کتی‌هاک» ایالت کارولینای شمالی آمریکا توسط برادران رایت یعنی ارویل و ویلبر، هواپیمایی را که در کارگاه دوچرخه‌سازی خود بر پایه استفاده از مقاومت هوا ساخته بودند به



داشت که همه جزئیات تصویری نازیسم از استانداردهای نوشته‌ها تا گرافیک‌ها و شیوه استفاده از نشان‌های نازیسم را پیش‌بینی کرده است. این کتاب که در سال‌های اخیر پیدا شده، جزئیاتی از تزئینات لباس سربازان تا نشان اس اس روی طبل و حتی اندازه پرچم‌ها در آن آمده است. هویت بصری حزب نازی و دولت آلمان در کتاب هم در فصل‌هایی از هم جدا شده‌اند. همه این شواهد می‌گوید که هیتلر متوجه رابطه تصویر و هویت و قدرتی که در تصویر هست، بوده. اگر چه نوشته شده که هیتلر نقاش بوده، اما در سیاست درست عین یک دیزاینر عمل کرده. او با خودش همه چیز را دیزاین می‌کرده با از کسی چون امیلی پورنوف می‌خواسته که آنها را دیزاین کند، در حال ما یا یک سیاستمدار بسیار هوشمند مواجهیم و متاسفم که مجبورم این کار را ستایش کنم.



یکی از عکس‌های موجود از نخستین پرواز برادران رایت

در برابر دیدگان مردم عادی بود و اما مدعی آلمانی پیشی گرفتن از برادران رایت در پرواز، گوستاو وایتهد نام دارد. او براساس نسخه ۱۸ اگوست سال ۱۹۰۱ هفت‌نامه «هرالد بریج پورت‌سندی» چهار روز قبل از انتشار نشریه، مسافتی ۲.۵ کیلومتری را در اطراف بریجپورت و شهر همسایه یعنی فیرفیلد با وسیله ساخت خود پرواز کرده است. همراه این گزارش، یک مدعی دیگر ناشی شده و شاید هم بازگوکننده توان رسانه‌ای دولت آمریکا باشد. تصویر بالایی از عکس‌های موجود از نخستین پرواز برادران رایت است.

برابر دیدگان مردم عادی بود و اما مدعی آلمانی پیشی گرفتن از برادران رایت در پرواز، گوستاو وایتهد نام دارد. او براساس نسخه ۱۸ اگوست سال ۱۹۰۱ هفت‌نامه «هرالد بریج پورت‌سندی» چهار روز قبل از انتشار نشریه، مسافتی ۲.۵ کیلومتری را در اطراف بریجپورت و شهر همسایه یعنی فیرفیلد با وسیله ساخت خود پرواز کرده است. همراه این گزارش، یک مدعی دیگر ناشی شده و شاید هم بازگوکننده توان رسانه‌ای دولت آمریکا باشد. تصویر بالایی از عکس‌های موجود از نخستین پرواز برادران رایت است.